



ب) حضرت امام در نامه‌ای به اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام نکاتی را به اعضای این مجمع گوشزد می‌کنند و در ادامه به اعضای شورای نگهبان خطاب کرده و می‌نویسند:

«تذکری پدران به اعضای عزیز شورای نگهبان می‌دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند، چرا که یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیریها است.»<sup>۱</sup>

ما می‌گوییم:

۱. عبارت حضرت امام در اینجا، حتماً ناظر به تأثیر زمان و مکان در حکم اولی است چرا که اولاً وظیفه شورای نگهبان انطباق قوانین با احکام اولی است و تعیین حکم حکومتی با ولی فقیه است و ترجیح مصلحت نظام بر مصلحت و مفسده حکم اولی نیز شأن مجمع تشخیص مصلحت نظام است (که از باب تراحم بین این مصالح و مفساد جمع کردن و با توجه به مرجحات باب تراحم یکی را بر دیگری ترجیح دهد)

۲. عبارت «نوع تصمیم‌گیری‌ها» اگرچه مربوط به مقام اجرا و احکام حکومتی است ولی این جمله به صورت کبرای کلی (و با عطف «اجتهاد» به آن) در استدلال واقع شده است و لذا کلام حضرت امام آن است که چون «حکم اولی مقید به تغییرات زمان و مکان است» باید مجتهدین با توجه به تغییرات، حکم اولی را استنباط کنند.

حضرت امام سپس به دو نکته اشاره می‌کنند:

الف) «حکومت فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند»  
 ب) «شما در عین اینکه باید تمام توان خودتان را بگذارید که خلاف شرعی صورت نگیرد- و خدا آن روز را نیاورد- باید تمام سعی خودتان را بنمایید که خدای ناکرده اسلام در پیچ و خمهای اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی، متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد.»<sup>۲</sup>  
 ما می‌گوییم:

۱. درباره نکته (الف)، لازم است اشاره کنیم که «فلسفه‌ی یک حکم» یعنی علت غایی آن، و وقتی می‌گوییم «فلسفه این سخن، فلان کار است» یعنی این سخن را برای رسیدن به فلان کار گفته شده است.

۱. همان، ص ۲۱۷

۲. همان



۲. حال: «علت غایی» گاه علمی است و گاه عملی. یعنی گاهی سخن می‌گوییم تا مردمان بدانند. در اینجا دانستن مردم علت غایی (فلسفه) سخن گفتن است و گاهی سخن می‌گوییم تا مردمان عمل کنند. در اینجا عمل مردم، علت غایی (فلسفه) سخن گفتن است.

۳. پس وقتی امام می‌فرمایند: «حکومت فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند» مرادشان آن است که «وجود حکومت» معلوم می‌کند که چرا باید با شرک و کفر برخورد کرد و چرا باید با معضلات داخلی و خارجی، برخورد کرد. یعنی اصلاً مبارزه‌ی با شرک و کفر و حل مشکلات و معضلات، دارای غایت و هدفی است که همان تشکیل حکومت اسلامی است.

۴. دقت کنیم که «تعیین می‌کند» در اینجا به معنای آن نیست که «حکومت» کاری را و وظیفه‌ای را تعیین می‌کند. بلکه ظاهراً مراد امام آن است که «با توجه به حکومت و وجود حکومت است که فلسفه عملی مبارزه‌ها تعیین می‌شود».

۵. به عبارت دیگر: امام می‌فرمایند که: «مبارزه با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی» دارای علت غایی و هدفی است که تحقق عملی حکومت اسلامی می‌باشد.

۶. همین‌جا لازم است به جمله دیگری هم از امام اشاره کنیم که در آن از واژه «فلسفه عملی» استفاده شده است. ایشان در منشور روحانیت می‌نویسند:

«حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است»<sup>۱</sup>

این عبارت به این معنی است که «فقه» (که در تمامی زوایای زندگی انسان حضور دارد) هدفی علمی دارد که اطلاع مردم است و هدفی عملی دارد که تشکیل حکومت است.